

باز خوانی شبهه " منافات برده داری با شخصیت انسان " از منظر اسلامی

رضا باقی زاده^۱

چکیده

یکی از شبهات و اشکالات مطرح، منافات برده داری با شخصیت انسان است؛ یعنی علی رغم این که اسلام به انسان شخصیت می دهد، چرا برده داری را تأیید کرد؟ و آن را لغو نکرد؟ فلسفه این تأیید چه بود؟ در این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی به آن پرداخته شده و در جمع آوری مطالب از روش کتابخانه ای و روش فیش برداری استفاده شده است و نتیجه گرفته شده از آنجا که حذف برده داری از جامعه نیازمند زمان بوده، برنامه تدریجی اسلام در راستای حذف آن بوده است و اسلام اگر چه ابتدا آن را تأیید کرد ولی برای از بین بردن نظام برده داری برنامه هایی از قبیل بستن سرچشمه های بردگی، گشودن دریچه آزادی، احیای شخصیت بردگان و ... را دنبال کرد و در این زمینه موفق شد به طوری که الان در اسلام برده داری وجود ندارد.

واژگان کلیدی

برده، برده داری، اسلام، انسان، شبهه.

طرح مساله

از جمله مباحث مهم تاریخی که سالها قبل از اسلام وجود داشته بحث برده داری است که با ظهور اسلام، بنا به دلایل عدیده از بین نرفت و سالها در جامعه اسلامی از طرق مختلف از جمله اسیرانی که در جنگ‌ها می‌گرفتند وجود داشته است و درباره آن مطالب و مباحثی مطرح شده است اما یکی از شبهه‌هایی که در این زمینه وجود دارد این است که برده داری با شخصیت انسان‌ها منافات دارد حال با این وجود چرا اسلام با برده داری مخالفت نکرد؟ تا شخصیت انسان‌ها لکه دار نشود اگر چه درباره اصل برده داری و مواردی که مربوط به آن می‌باشد در برخی آثار مطالبی مطرح است. اما در این مقاله سعی شده پاسخ شبهه منافات برده داری با شخصیت انسان مطرح و به نقد و بررسی آن پرداخته شود.

۱. مفاهیم و مبادی بحث

۱-۲. برده در لغت

برده در زبان عربی با لفظ «عبد، رقیق، غلام، وصیف» برای مرد و «امه، جاریه، خادم» برای زن آمده است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۲۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۲/۸ و ۱۵۲/۱) و جمع برده مرد، عبید و اعبُد است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۷۱/۳) در زبان عبری تورات به همین معنا به کار رفته است. در لغت به برده «رقبه» هم گفته شده (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۰۶) و علت این نام‌گذاری آویختن ریسمان به گردن آنان بوده است (شعرانی، ۱۳۹۳: ۳۱۴). در برخی لغت‌نامه‌ها بردگی به معنای اسیری، غلامی، بندگی و مملوکیّت انسانی برای انسانی دیگر آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۸۸/۵؛ دهخدا، ۱۳۳۴: ۳۹۴۶/۳). و برده‌ای که در خانه صاحبش زاده می‌شده «عَبْدُ قِنْ» می‌گفتند (ابن منظور، همان) متضاد برده را «حُر» می‌خوانند (همان، ۲۷۱/۳).

۲-۲. برده در اصطلاح:

برده در اصطلاح به کسی گفته می‌شود که مملوک انسانی دیگری گشته است (مفید، ۱۴۱۳: ۵۴۸؛ حلی، ۱۴۱۳: ۱۹۷/۳). علامه طباطبایی در تعریف آن می‌گوید: انسان در تحت شرایط مخصوص آزادیش سلب شده و به صورت متاعی که قابل مالکیت است مانند

سایر اجناس و متاع‌هایی که به ملکیت در می‌آید از قبیل حیوانات، نباتات و... به ملکیت غیر در آید و آن غیر هر طوری که بخواهد می‌تواند در اعمال و آثار او تصرف کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۴۱/۶).

۳-۲ انواع برده‌ها:

برده‌ها دارای انواعی هستند:

«قِنْ» به برده‌ای گفته می‌شد که در یک مزرعه به طور دائم مشغول کار بود. به او مزارع مقیم (کشاورز همیشگی) هم می‌گفتند. قِنْ نه فروخته می‌شد و نه آزاد می‌گشت و نه می‌توانست از آن مزرعه برود بلکه خودش و فرزندانش با آن زمین خرید و فروش می‌شدند. در روم این نوع برده‌ها را سرف (Serf) می‌گفتند.

«مولی عتاقه» اسیری که با مولای خود قراری می‌گذاشت و اگر به موجب آن عمل می‌کرد از اسیری آزاد می‌شد.

«مکاتبه» برده‌ای که با ارباب خویش قرار گذاشته با پرداخت پول، به صورت اقساط یا دفعی خود را آزاد کند.

«موالی» بردگانی که پس از اسیری اسلام آورده و غالباً آزاد می‌شدند. اما به همین نام، تحت حمایت صاحبان اولیه خود می‌ماندند و چون طبق قانون اسلام، مسلمان بنده نمی‌شود، این بندگان آزاد شده، بین بندگی و آزادی وضع مخصوصی می‌یافتند (جرجی زیدان، ۱۳۴۵: ۶۶۳، ۶۶۲، ۶۸۶).

منتسکیو تقسیم‌بندی دیگری برای بردگی کرده است: ۱. بردگی حقیقی؛ یعنی برخی به ارباب خود مقداری گندم، پارچه یا دام تحویل می‌دادند و از این حد تجاوز نمی‌کرد. ۲. بردگی شخصی، که مربوط به اداره خانه بود ایشان می‌گویند نهایت احجاف در بردگی این بود که هم شخصی باشد و هم حقیقی (منتسکیو، ۱۳۴۹: ۴۱۷).

۴-۲ تاریخچه بردگی:

گرچه درباره تاریخچه پیدایش برده داری مطلبی در دست نیست اما تاریخ بشریت نشان می‌دهد که از زمان‌های قدیم برده‌داری بوده است و آنان سرنوشت دردناکی داشته‌اند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵: ۴۱۵/۲۱). لکن به نظر می‌رسد که سنت برده‌گیری

نخست درباره اسرای جنگی معمول و سپس درباره زنان و فرزندان عملی شده باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۹۳/۶). اسپارت‌ها که به اصطلاح قومی متمدن بودند بردگان آن‌ها تنها غلام یک نفر نبودند بلکه غلام تمام جامعه بودند و هر کس بدون ترس از قانون می‌توانست غلام را شکنجه دهد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵: ۴۱۵/۲۱). لکن به نظر می‌رسد که سنت برده‌گیری نخست درباره اسرای جنگی معمول و سپس درباره زنان و فرزندان عملی شده باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۹۳/۶). سنت برده‌گیری در جمیع ملل و امم متمدن قدیم مانند هند، یونان، روم و ایران رواج داشته است (همان). در بازار روم برده فروشی زیاد بود و در برخی موارد رومیان بر بردگان کار و صنعت یاد می‌دادند و با بهای بیشتری می‌فروختند. بعضی اوقات قاضیان دخالت کرده و از بردگان دفاع می‌کردند (جرجی زیدان، ۱۳۴۵: ۶۶۱). اعراب که همواره مشغول جنگ، جدال، غارت و چپاول اموال یکدیگر بودند زنان، مردان و کودکان قبیله مغلوب را اسیر و بنده کرده و آن‌ها را در بازارهای متعدد بنده فروشی از جمله بازار عکاظ خرید و فروش می‌کردند. بازرگانان برده که آن‌ها را جلاب (وارد کننده) یا نخاس (دلال) می‌گفتند از نواحی مختلف بردگان را به مکه می‌آوردند و می‌فروختند. آنان به علت حرفه‌شان تحقیر می‌شدند و اما به دلیل ثروت‌شان مورد غبطه بودند. بازار برده سامرا در قرن سوم، چهار ضلعی وسیع با کوچه‌هایی در درون آن و خانه‌های یک اشکوبه شامل اتاق‌ها و دهک‌ها بود (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۳۶۰).

در میان اعراب با بردگان برخورد بدی داشتند چنان که عبدالله بن جدعان تیمی از برده فروشان نامی قریش وقتی برده‌ای خریداری می‌کرد ریسمانی را به گردنش می‌افکند و چون حیوانی او را به خانه‌اش می‌برد (جرجی زیدان، ۱۳۴۵: ۶۶۱). عرب‌ها برده‌ها را با گرفتن پول آزاد می‌کردند، برده‌ها مثل کالاها جزء ارثیه محسوب و مهر و شیربهای عروس هم قرار می‌گرفت، شاهان و شاهزادگان برده‌های بسیار داشتند، ذوالکلاع پادشاه حمیر وقتی به دیدن ابوبکر آمد هزار برده همراه داشت، به برده‌ها چون اعتماد نداشتند کم‌تر به جنگ می‌فرستادند، دیه برده نصف دیه آزاد بود برخی اوقات در برد و باخت شخص آزاد، برده می‌شد (همان، ۶۶۲-۶۶۱). برخی از صاحبان برده‌ها با قساوت و بی‌رحمی عجیبی با آنها رفتار می‌کردند چنان که می‌گویند اگر بنده‌ای در انجام خدمات، اندک قصوری

می‌ورزید مجازات‌های سخت می‌دید، شلاق می‌خورد، او را به زنجیر می‌کشیدند به آسیابش می‌بستند، به حفر معادن می‌گماشتند، در زیر زمین‌ها و سیاه‌چال‌های هولناک حبس می‌کردند و اگر گناهش بزرگ‌تر بود به دارش می‌آویختند. و نیز غلامان محکوم را در قفس درندگان می‌انداختند و اگر جان سالم به در می‌بردند درنده دیگری را داخل قفس او می‌کردند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵: ۳۷/۱). گوستاو لوبون اشاره به داستان بردگی آمریکائیان دارد که در محبس‌ها به زنجیر بسته با تازیانه و شلاق شکنجه و قوت لایموتی به آن‌ها می‌دادند (گوستالوبون، ۱۳۱۶: ۴۹۳). رومیان گاهی به قصد تفریح و سرگرمی بردگان را زیر ضربه‌های شدید تازیانه مجروح و خون‌آلود می‌کردند و گاهی با جانوران درنده و گرسنه نظیر شیر و پلنگ روبرو می‌کردند و وقتی طمع درندگان می‌شدند و فریادشان بلند می‌شد مالکانشان خنده سر می‌دادند و گاهی دو گروه از بردگان را به جنگ هم می‌فرستادند و از این که آنان یکدیگر را مجروح یا می‌کشتند لذت می‌بردند یا بردگان را مجبور می‌کردند دست برهنه خود را داخل استوانه‌های پر از عقرب و زنبور فرو برند و وقتی از شدت درد و تشنج اعصاب فریاد می‌کشیدند اربابانشان شادی سر می‌دادند. در قانون افلاطون مقرر شده بود که غلام حق دفاع طبیعی از خود ندارد و اگر به او حمله ور شدند نباید از خود دفاع کند و به دادگاه مراجعه نکند در شهر اسپارت غلامان در قبایل آزادی که به آنان می‌رسید حق رجوع به دادگاه و طرح شکایت نداشتند (متسکیو، ۱۳۴۹: ۴۲۴).

بردگی در انگلستان تا سال ۱۸۴۰م، در فرانسه تا سال ۱۸۴۸، در هلند تا سال ۱۸۶۳ و در آمریکا تا سال ۱۸۶۵ ادامه داشت تا این که «نهضت آزادی بردگان» شروع شد. چون با دگرگون شدن نظام زندگی بشر مسأله بردگی به شکل قدیمی دیگر قابل قبول نبود در سال ۱۸۹۰م در کنفره بروکسل ضمن اعلامیه‌ای تصمیم به الغای بردگی در سراسر جهان گرفته شد. الغای بردگی ابتدا از اروپا شروع شد سپس در سایر کشورها از جمله آمریکا و آسیا گسترش یافت (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۹۴-۴۹۳). الغای بردگی، آزادی سیاسی بود ولی استعمار اقتصادی و فرهنگی هنوز در بسیاری از مستعمرات آزاد شده حکم‌فرما است. علامه طباطبایی معتقد است این لغویت مربوط به برده‌گیری از طریق ولایت و زورمندی

بوده چون همه یا بیشتر بردگانی که آن روز به اطراف دنیا برده و فروخته می‌شدند آفریقایی بودند و در حالی که در آفریقا جنگی پیش نیامده بود تا اسیر بگیرند بلکه به وسیله قهر و غلبه و قلدری مردم را دستگیر می‌کردند (همان).

۳. طرح اسلام برای از بین بردن برده‌داری؛

از آن جا که فرهنگ غلط برده‌داری مربوط به قبل از اسلام بوده و حذف آن از جامعه، نیازمند زمان بوده است، اسلام به صورت تدریجی به ریشه کنی آن پرداخته است. منتسکیو آزادی دفعی عده‌ای بی‌شماری از بردگان را موجب اختلال نظم اقتصادی جامعه می‌داند که حتی معایب اجتماعی و سیاسی به دنبال دارد لذا معتقد است آزادی آنان باید تدریجی و همراه با فرهنگ‌سازی لازم باشد (منتسکیو، ۱۳۴۹: ۴۲۸). گوستاولوبون نیز بی‌تجربگی و بی‌استعدادی بردگان را که قدرت تشکیل زندگی مستقل و اداره آن را نداشتند را علت عدم آزادی دفعی بردگان توسط اسلام می‌داند. آن‌گاه به غلامان قدیم آمریکا اشاره دارد که به همین علت پس از آزادی نابود شدند (گوستاولوبون، ۱۳۱۶: ۴۹۸). مارسل بوازار معتقد است پیامبر (ص) چاره‌ای نداشت که برای پیاده کردن اصول برابری و برادری، بعضی از سنت‌های اعراب و اقوام تازه مسلمان از قبیل برده فروشی را که خلاف عدالت و آزادی و بر بنیان ستمگری استوار بود با تعیین ضوابطی به سود انسانیت تنظیم کند و در فرصت مناسب آنان را از میان بردارد (مارسل، ۱۳۵۸: ۴۵).

پس در جواب شبهه گفته می‌شود:

اولاً: امکان نداشت اسلام یک دفعه دستور آزادی بردگان را صادر نماید.

ثانیاً: اسلام برای آزادی تدریجی بردگان و از بین بردن برده‌داری برنامه‌هایی داشت که در اینجا به آن پرداخته می‌شود:

برنامه های اسلام برای از بین بردن نظام برده‌داری از این قرار است:

۱-۳ بستن سرچشمه‌های بردگی؛

در اسلام جلوی همه راه‌های بردگی گرفته شد و تنها درباره اسیران جنگی و آن هم در جنگ‌هایی که بین مسلمین و کفار اتفاق می‌افتاد اجازه برده‌گیری داده شد. در مورد اسیران جنگی نیز طبق روایات و نظر فقهای شیعه، حاکم اسلامی مخیر است این اسیران را

با فدیة آزاد و یا آنان را به بردگی بگیرد (طبرسی، ۱۴۰۶ق: ۹/ ۱۴۷؛ حرعاملی، ۱۴۰۳ق: ۵۳/ ۱۱؛ نجفی، بی تا: ۱۲۶/ ۲۱). از این رو حکم بردگی اسیران در شریعت اسلامی حکمی الزامی نیست تا حاکم اسلامی یا مسلمانان موظف به برده گرفتن اسیران جنگی باشند به همین علت است که پیامبر اسلام (ص) جز موارد نادر - از جمله غزوة بنی قریظه که زنان آنان را به بردگی گرفت و آنان را برای خرید اسب و سلاح به نجد فرستاد - برده نگرفته است (طبری، ۱۳۵۸: ۱۳/ ۲؛ طبرسی، ۱۴۰۶ق: ۸/ ۵۵۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۸ق: ۴/ ۱۴۴) در بیشتر جنگ‌ها اسیران کافر را آزاد می‌کرد و در غزوة بنی نظیر، هیچ یک از جنگجویان کافر را به اسارت و بردگی نگرفت (حشر / ۲). در جنگ بدر همه اسیران مشرک را با فدیة و یا بدون فدیة آزاد کرد (محمد / ۴؛ طبری، ۱۴۱۵: ۵۶/ ۲۶؛ طبرسی، ۱۴۰۶ق: ۴/ ۸۵۹). در فتح مکه همه اهالی آن را آزاد کرد (بیهقی، ۱۴۱۶: ۱۳/ ۴۴۱-۴۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹/ ۱۸۱). در غزوة هوازن ۶۰۰۰ اسیر را بدون گرفتن فدیة آزاد کرد (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۱۳۲/ ۴-۱۳۱؛ طبری، ۱۳۵۸: ۴۱/ ۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۸: ۴/ ۴۰۶-۴۰۴).

تلاش اسلام همواره بر این بوده است تا بردگی را از میان بردارد. طبق روایتی از پیامبر اکرم (ص)، فروش برده یکی از منفورترین معاملات دانسته شده است (نوری، ۱۴۰۸ق: کتاب تجارت، باب ۱۹، حدیث ۱). در حدیث دیگری آن حضرت یکی از گناهان نابخشودنی را فروش انسان آزاد دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۸/ ۱۰۳). همچنین بدترین مردم را کسانی دانسته که کارشان خرید و فروش انسان‌هاست (کلینی، ۱۴۰۱ق: ۵/ ۱۱۴).

مارسل بوازار خطر تأمین جانی و جلوگیری از تجاوز به اسیران جنگی را دلیل برده گرفتن آنان توسط اسلام می‌داند (مارسل، ۱۳۵۸: ۴۹). علامه طباطبایی درباره علت برده گرفتن اسیران جنگی می‌نویسد: «از آن جایی که دشمن محارب هدفی جز نابودی انسانیت و از بین بردن نسل بشری و ویران ساختن آبادی‌ها ندارد و فطرت بشر بدون تردید چنین شخصی را محکوم به زوال دانسته و او را مستحق حیات و تنعم به حقوق اجتماعی نمی‌داند حکم به از بین بردن یا برده گیری آنان می‌نماید» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶/ ۴۹۸-۴۹۷).

برخی درباره علت بردگی گرفتن اسیران جنگی گفته‌اند: کسانی که به جامعه اسلامی تجاوز کرده‌اند بعد از تسلط بر آنان، یکی از راه‌های پنج‌گانه باید انتخاب شود:

۱. همه را اعدام کنند؛ این راهی جز قساوت نیست که با روح اسلام که رحمانیت و محبت است منافات دارد.
 ۲. همه را زندان کنند؛ این راه علاوه بر تکلف و زحمت بر دولت اسلامی، باعث ازدیاد شر و فساد در زندان‌ها می‌شود.
 ۳. آنان را سالم به شهرهای خودشان برگردانند. روشن است که در این صورت آنان دوباره آماده به جنگ باز می‌گردند.
 ۴. آنان را در کشور اسلامی رها کنند. در این صورت مسلمانان از آن‌ها انتقام می‌گیرند و خون‌شان محفوظ نیست.
- حال که این راه‌ها مشکلات فراوانی دارد بهترین راه، برده گرفتن آنها تحت ولایت مسلمین است (سبحانی، ۱۴۱۳ق، ۲/ ۲۶۱-۲۶۰).

۳-۲ گشودن دریچه آزادی؛

هر چند اسلام یک راه را برای بردگی باز گذاشته اما در مقابل راه‌های پرشماری را برای آزادی بردگان گشوده و برخی را به عنوان تکلیفی الزامی بر مسلمانان واجب کرده و برخی را دارای فضیلت و پاداش دانسته است. ضمن این که راه‌هایی نیز قرار داده تا بردگان به طوری قهری و بدون رضایت مالک، آزاد گردند. بر همین اساس است که محدثان و فقیهان در کتاب‌های خود ابوابی با عنوان «باب العتق» یا «کتاب العتق» قرار داده‌اند (طوسی، ۱۴۱۲ق: ۸/ ۳۰۹؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۳۰۵؛ مفید، ۱۴۰۳: ۵۴۸؛ محمد بن احمد، ۱۳۰۶ق: ۷/ ۲ و ۱۴۲؛ کلینی، ۱۴۰۱ق: ۶/ ۱۷۷؛ ابن شرف، بی‌تا: ۱۶/ ۳).

رئوس برنامه‌های اسلام برای آزادی بردگان بدین شرح است؛
الف. یکی از مصارف هشت گانه زکات، خرید برده و آزاد کردن آن است (توبه/ ۶۰).

ب. منعقد کردن قرار داد با بردگان جهت آزادی آنان (نور/ ۳۳) که در فقه به آن مکاتبه گویند. بر اساس این قرارداد، برده متعهد می‌شود از طریق کسب، مالی تهیه کرده به اقساط برای آزادی خود پردازد (طبرسی، ۱۴۰۶ق: ۷/ ۲۲۰؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۱۶۲/ ۲). قبل از اسلام نیز این روش بوده است (جرجی زیدان، ۱۳۴۵: ۶۶۲).

ج. قرآن از جمله مصادیق کار نیک را پرداخت اموال برای آزادی بردگان دانسته است (بقره/۱۷۷). که باعث عبور از گردنه‌های سخت قیامت می شود (بلد/۱۱-۱۳). و نیز آنان را که به اسیران (کافر و مسلمان زندانی و برده) اطعام می کنند، از ابرار شمرده و به پاداش های عظیم اخروی وعده داده است (انسان/۵ و ۸ و ۱۰) (طبرسی، ۱۴۰۶ق: ۶۱۷/۱۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/۲۱۶). و سفارش نیکو کاری با بردگان دارد (نسا/۴۱).

در روایات نیز بر احسان به بردگان و رعایت حقوق آنان تأکید شده است. در روایتی پیامبر اکرم (ص) مسلمانان را به رعایت و توجه به بردگان سفارش کرده آنان را به پوشاندن، سیر کردن و نیکو سخن گفتن با آنان توصیه کرده است (شیبانی، ۱۴۰۶ق: ۲۱۴/۱؛ هندی، ۱۴۱۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۸ق: ۲/۲۵۴). در جای دیگر بردگان را برادران مسلمانان دانسته و مسلمانان را به غذا دادن به آنان از آن چه خود می خورند و پوشاندن آن چه خود می پوشند، مأمور کرده است (بخاری، ۱۴۱۸ق: ۱/۱۳؛ نیشابور، ۱۴۱۵: ۵/۹۳؛ احسائی، ۱۴۰۳ق: ۱/۲۷۱). در روایتی علی (ع) به غلام خود قنبر فرمود: من از خدای خود شرم دارم که لباسی بهتر از تو بپوشم زیرا رسول اکرم (ص) می فرمود: از آن چه خودتان می پوشید بر آن ها بپوشانید و از آن چه خود می خورید به آن ها غذا دهید (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۴۴/۷۴). و در جای دیگر آمده است که علی (ع) دو لباس از بازار خرید لباس گران قیمت تر را به قنبر داد (همان). فرجام بد رفتاری با بردگان را جهنم دانسته و مسلمانان را به اکرام آنان همچون فرزندان خود توصیه کرده است (احسائی، ۱۴۰۳ق: ۱/۲۷۱). در اولین دیداری که امام رضا (ع) با یاسر غلام خود که مأمون به آن حضرت بخشیده بود داشت، یاسر گفت: آقا من غلام شما هستم، حضرت لبخندی زده و فرمود: تو برادر من هستی. امام صادق (ع) می فرماید: «هنگامی که پدرم به غلامی دستور انجام کاری می داد ملاحظه می کرد اگر کار سنگینی بود بسم الله می گفت و خودش وارد عمل می شد و به آن ها کمک می کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۴۲/۷۴).

پیامبر اکرم (ص) کسانی را که غلامان خود را کتک می زنند در شمار بدترین انسان ها می شمرد (همان، ۱۴۱).

د. آزاد کردن بردگان یکی از مهم ترین عبادات و اعمال خیر در اسلام به شمار آمده

و در روایات اسلامی برای آزادی بردگان پاداش و فضایل فراوانی بیان شده است (ابن حنبل، ۱۴۱۵ق: ۳/۱۴۹؛ نیشابور، ۱۴۱۵ق: ۴/۲۱۸-۲۱۷؛ حرعاملی، ۱۴۰۳ق: ۲۳/۱۱). از جمله در روایات زیادی نقل شده: هر کس بنده‌ای را آزاد کند خداوند اعضای بدن او را از آتش جهنم آزاد می‌کند (حرعاملی، ۱۴۰۳ق: ۱۶/۵-۲). و نیز روایاتی دال بر استحباب آزادی بردگان در روز و شب عرفه آمده است (همان، ص ۶). امام باقر (ع) پاداش سخت‌گیری نکردن نسبت به غلامان و کمک کردن به آنان در انجام کار را قرار گرفتن در عالی‌ترین مقامات بهشت قرار داده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۴/۱۴۰).

هـ. در برخی روایات آمده که بردگان بعد از هفت سال، خود به خود آزاد می‌شوند و پس از آن به خدمت گرفتن آنان حلال نیست (حرعاملی، ۱۴۰۳ق: ۱۶/۴۳). حضرت موسی (ع) نیز دوره غلامی عبرانیان را به شش سال محدود نموده بود (منتسکیو، ۱۳۴۹ق: ۴۲۸).

و. کسی که برده مشترکی را نسبت به سهم خود آزاد کند موظف است بقیه را نیز بخرد و آزاد کند (حرعاملی، ۱۴۰۳ق: ۱۶/۲۵) و هرگاه بخشی از برده‌ای را که مالک تمام آن است آزاد کند این آزادی سرایت کرده و خود به خود همه آن آزاد خواهد شد (همان: ۷۵). ز. کفارۀ بسیاری از تخلفات در اسلام آزاد کردن برده قرار داده شده است از قبیل: قتل خطا (نسا/۹۲)، شکستن سوگندی که به گونه جدی ادا شود (مائده/۸۹)، کشتن کافری که با مسلمین پیمان بسته (نسا/۹۲)، ظهار^۱ زن اگر قصد بازگشت داشته باشد قبل از مباشرت (مجادله/۳)، ترک عمدی روزه، شکستن نذر و مانند آن.

ح. هرگاه کسی پدر، مادر، اجداد، فرزندان، عمو، عمه، دایی، خاله، برادر، خواهر، برادرزاده و خواهرزاده خود را به عنوان برده مالک شود فوراً آزاد می‌شود (حرعاملی، ۱۴۰۳ق: ۱۶ / ۱۱ - ۱۳).

ط. هرگاه مالک از کنیز خود صاحب فرزندی شود فروختن آن کنیز جایز نیست و باید بعداً از سهم ارث فرزندش آزاد شود.

۱ ظهار عبارت است از این که مردی عبارتی را به کار برد که مفادش این است که همسرش به منزله مادر اوست مثل این که بگوید: «انت علی کظهر امی» تو برای من مانند پشت مادرم هستی (حلی، ۱۳۸۹: ۲/۲۳۱).

ظ. اگر صاحب برده نسبت به برده‌اش پاره ای از مجازات سخت را انجام دهد، آن برده خود به خود آزاد می‌شود (همان، ۲۶).

ی. اگر برده‌ای مسلمان شود در حالی که مولایش کافر باشد با پول بیت المال آزاد می‌شود.

ن. اگر مولی وصیت کند به آزادی برده بعد از مرگش او آزاد می‌شود، که به آن تدبیر می‌گویند (همان، ۸۴/۱۶؛ جرجی زیدان، ۱۳۴۵: ۶۶۳). برخی روایات به صراحت دلالت دارد که اگر برده‌ای مبتلا به برخی امراض از قبیل کوری و جذام شود باید آزاد شود (حرعاملی، ۱۴۰۳ق: ۳۳/۱۶-۳۱).

پیامبر (ص)، ائمه و مسلمانان نیز برای آزادی بردگان تدابیری داشتند که به آن اشاره می‌شود:

الف. در زمان جنگ با مخالفان، آزاد کردن برده‌های دشمن یک نوع تدبیر جنگی سودمند بود. آنان اعلام می‌کردند هر برده‌ای به سمت ما بیاید آزاد می‌شود. نمونه آن انجام این رویه توسط پیامبر اکرم (ص) هنگام محاصره طائف بود (جرجی زیدان، ۱۳۴۵: ۶۸۴).

ب. پیشوایان اسلام در زمینه آزادی بردگان پیش‌قدم بودند. حضرت علی (ع) هزار برده را از دسترنج خود آزاد کردند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۴۳/۴۱؛ حرعاملی، ۱۴۰۳ق: ۴/۱۶؛ کلینی، ۱۴۰۱ق: ۱۶۵/۸-۱۶۴). امام سجاد (ع) در طول عمر شریف خود هزاران برده را خرید و آزاد کرد (جعفریان، ۱۳۷۶: ۲۸۰). امام باقر (ع) با انجام کار نیکی از سوی یکی از بردگان او را آزاد نمود (حرعاملی، ۱۴۰۳ق: ۳۲/۱۶). در حالات امام سجاد (ع) آمده است که خدمتکارش، آب بر سر حضرت می‌ریخت و ظرف آب افتاد و حضرت مجروح شد، در این هنگام خدمتکار گفت: «والکاظمین الغیظ» حضرت فرمود: خشم را فرو بردم. عرض کرد: «والعافین عن الناس». فرمود: خدا تو را ببخشد. عرض کرد: «والله يحب المحسنين». فرمود: برو برای خدا آزادی (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ۳۹۰/۱).

کنیز امام مجتبی (ع) گلی به آن حضرت هدیه داد و به همین امر امام او را آزاد کرد (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ۱۸/۴). زید بن حارثه غلام حضرت خدیجه (س) بود که

ایشان وی را به پیامبر(ص) بخشید و آن حضرت او را آزاد نمود که بعدها به «پسر خوانده» حضرت معروف شد و به صحابی پیامبر(ص) و کتابت قرآن و حدیث رسید و فرزند او اسامه از فرماندهان بزرگ سپاه اسلام شد(آلوسی، بی تا: ۱۴۷/۲۱). در یکی از جنگ‌ها پیامبر(ص) با اسیران برده شرط کرد که هر کسی ده مسلمان را سواد بیاموزد آزاد خواهد شد. در جنگ بنی المصطلق، جویریة دختر حارث را که یکی از دویست اسیر جنگ بود آزاد و همسر خود کرد و بقیه نفرات نیز آزاد شدند(ابن هشام، ۱۳۷۵: ۲/۲۹۵؛ طبری، ۱۳۵۸ق: ۲/۲۶۴). همچنین صفیه دختر حی بن اخطب را آزاد و با او ازدواج نمود(طبری، ۱۳۵۸ق: ۳/۳۰۲).

۳-۳ احیای شخصیت بردگان؛

از دیدگاه اسلام از نظر شخصیت انسانی تفاوتی بین بردگان و افراد آزاد نبوده و معیار ارزش همان تقوا است (حجرات/۱۳). گوستاو لوبون معتقد است ما نمی‌توانیم با شواهد قطعی نشان دهیم که در اسلام تعدی و ظلمی به غلام شده باشد حقیقت امر این است که برده در اسلام جزء نوکر و ملازم نیست بلکه سوگولی خانواده شمرده می‌شود(گوستاولوبون، ۱۳۱۶: ۴۹۸). در ممالک اسلامی غلام و کنیز دوره زندگانی خود را در کمال راحتی و خوشی به سر می‌بردند(همان: ۴۵۵-۴۹۴). به بردگان اجازه داده شده مقام مهم قضاوت را قبول کنند(حلی، ۱۳۸۹: ۲/۳۱۶). قرآن از بردگان تعبیر به «فتی» می‌کند(یوسف/۳۶). فتی یعنی جوان مرد و این یک نوع احترام به آنان است. در روایات نیز آمده که به جای غلام و کنیز به آنان باید جوان گفت(طبرسی، ۱۴۰۶ق: ۵/۲۳۲). و در جای دیگر تعبیر به پسر و دخترم به جای کنیز و غلام سفارش شده است(نیشابور، ۱۴۱۵ق: ۷/۴۶۴؛ بیهقی، ۱۴۱۶ق: ۱۱/۵۲۲؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق: ۱۲۸). از پست‌های لشکری و کشوری به بردگان سپرده شده بود. سلمان، بلال، عمار یاسر و قنبر جزء آنها بودند(طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶/۴۹۹). پیامبر(ص)، بلال غلام سیاه را مؤذن ویژه خود کرد(بخاری، ۱۴۱۸ق: ۵/۱۶۹؛ نوری، ۱۴۰۸ق: ۳/۳۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۸/۱۱۶ و ۱۴۱/۲۲). آن حضرت بین بردگان و اشراف عرب پیمان برادری استوار کرد(بلاغی، ۱۳۴۱: ۴۶؛ هیثمی، ۱۴۰۲ق: ۸/۱۷۱). و نیز دختر عمه خود زینب را به همسری فردی از بردگان درآورد(طبرانی، ۱۴۰۵: ۲۲/۴۴۷؛

مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۱۸/۲۲) و وی را به فرماندهی سپاهی که در آن بزرگان عرب بودند برگزید (ابن حنبل، ۱۴۱۵: ۳۲۳/۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۸: ۲۳۷/۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷۵/۲۰). افزون بر این، زمینه پیشرفت علمی آنان را فراهم ساخت به گونه‌ای که بسیاری از مفسران و فقیهان برجسته صدر اسلام همچون عطا، مجاهد، سعید بن جبیر و زید بن اسلم از بردگان و موالیان بودند (حسینی، ۱۳۷۲: ۴۸). «قطب الدین آیبیک» برده‌ای بود که امپراطوری بزرگ اسلام را در سرزمین هندوستان بنیان نهاد (مارسل، ۱۳۵۸: ۴۹). یکی از رفتارهایی که رسول خدا (ص) برای احیای شخصیت بردگان اصرار می‌ورزید غذا خوردن با غلامان بود (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۴۰/۷۴).

نتیجه‌گیری

آنچه در این مقاله نتیجه گرفته شده این است که:

فرهنگ برده داری مربوط به قبل از اسلام و حذف آن از جامعه نیازمند زمان بوده است لذا اسلام به صورت تدریجی اقدام به ریشه کنی آن کرد چه اینکه اگر اسلام دفعی به حل آن می پرداخت مشکلاتی ایجاد می کرد از این رو اسلام اقداماتی را در این زمینه انجام داد:

۱. بستن سرچشمه های بردگی؛ یعنی جلوی همه راههای بردگی گرفته شد و فقط درباره اسیران جنگی آن هم با کفاره اجازه برده گیری داده شد.
۲. گشودن دریچه آزادی؛ یعنی اگر چه یک راه برده گرفتن را آزاد گذاشت اما راهها پرشماری را برای آزادی بردگان گشود که برخی تکلیفی الزامی برای مسلمانان و برخی فضیلت و پاداش برای آنان بود.
۳. احیای شخصیت بردگان؛ یعنی اسلام تأکید داشت که از نظر شخصیت انسانی فرقی بین بردگان و انسان آزاد وجود ندارد چون معیار ارزش گذاری تقواست.

فهرست منابع

۱. آلوسی، سید محمود، بی‌تا، **تفسیر روح المعانی**، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲. ابن حنبل، ابو عبدالله احمد شیبانی (م ۲۴۱ق) (۱۴۱۵ق)، **مسند احمد بن حنبل**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، سوم.
۳. ابن سعد (م ۲۳۰ق) (۱۴۱۸ق)، **الطبقات الكبرى**، به کوشش محمد عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیه، بیروت، دوم.
۴. ابن شرف محیی الدین النووی (م ۶۷۶ق) (بی‌تا)، **المجموع فی شرح المذهب**، دارالفکر.
۵. ابن کثیر اسماعیل الدمشقی (م ۷۷۴ق) (۱۴۱۸ق)، **البدایه و النهایه**، به کوشش علی محمد معوض و عادل احمد، دارالکتب العلمیه، بیروت، دوم.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (م ۷۱۱ق) (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، مصحح میردامادی، جمال الدین، دارالفکر، بیروت، سوم.
۷. ابن هشام، عبد الملک حمیری (۱۳۷۵)، **السیره النبویه**، ترجمه سید هاشم رسولی، انتشارات کتابچی، تهران.
۸. البخاری، محمد بن اسماعیل (م ۲۵۶ق) (۱۴۱۸ق)، **صحیح البخاری**، به کوشش بن باز، دارالفکر، بیروت، اول.
۹. بلاغی، سید صدر الدین (۱۳۴۱ش)، **برهان قرآن**، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ دوم.
۱۰. البیهقی (م ۴۵۸ق) (۱۴۱۶ق)، **السنن الكبرى**، دارالفکر، بیروت، اول.
۱۱. جرجی زیدان (۱۳۴۵)، **تاریخ تمدن اسلام**، ترجمه علی جواهر کلام، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ سوم، دوره کامل در ۵ مجلد.
۱۲. جعفریان، رسول (۱۳۷۶)، **حیات فکری و سیاسی امامان شیعه**، انتشارات انصاریان، قم.
۱۳. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۳هـ ق)، **وسائل الشیعه**، تصحیح و تحقیق محمد رازی، تعلیق ابوالحسن شعرانی، مکتبه الاسلامیه بطهران، تهران، چاپ ششم.
۱۴. حسینی، مصطفی (۱۳۷۲ش)، **بردگی از دیدگاه اسلام**، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران، اول.
۱۵. حلی (محقق)، ابوالقاسم جعفر بن الحسن (۱۳۸۹)، **شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، انتشارات خرسندی، تهران.

۱۶. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۳ق)، **قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام**، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.
۱۷. دهخدا، علی اکبر (م ۱۳۳۴ش) و دیگران (۱۳۷۳ش)، **لغت نامه**، مؤسسه لغت نامه دهخدا و دانشگاه تهران، تهران، اول.
۱۸. الراغب الاصفهانی (م ۴۲۵ق) (۱۳۸۷)، **مفردات فی غریب القرآن**، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران.
۱۹. سبحانی، جعفر (۱۴۱۳ق)، **مفاهیم القرآن**، به کوشش جعفر الهادی، مؤسسه امام صادق (ع)، قم، چهارم.
۲۰. شعرانی، میرزا ابوالحسن (م ۱۳۹۳ق) (۱۳۹۸ق)، **نثر طوبی**، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۱. شهر آشوب محمد علی (م ۵۸۸ق) (۱۴۱۲ق)، **مناقب آل ابی طالب**، به کوشش یوسف البقاعی، دارالاضواء، بیروت، دوم.
۲۲. الشیانی، محمد بن حسن (م ۱۸۹ق) (۱۴۰۶ق)، **الجامع الصغیر**، عالم الکتب، بیروت.
۲۳. طباطبائی (علامه)، محمد حسین (۱۳۷۴ش)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، پنجم.
۲۴. الطبرانی، سلیمان بن احمد (م ۳۶۰ق) (۱۴۰۵ق)، **المعجم الكبير**، به کوشش عبد المجید السلفی، دوم.
۲۵. الطبرسی، فضل بن الحسن (م ۵۴۸ق)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۲۶. الطبری، محمد بن جریر (۱۳۵۸هـ ق)، **تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الرسل و الملوک)**، مطبعة الاستقامة، القاهرة.
۲۷. طبری، محمد بن جریر (م ۳۱۰ق) (۱۴۱۵ق)، **جامع البیان عن تأویل ای القرآن**، به کوشش صدقی جمیل العطارة دارالفکر، بیروت، اول.
۲۸. الطوسی، محمد بن الحسن (م ۴۶۰ق) (۱۴۱۲ق)، **تهذیب الاحکام**، به کوشش محمد جعفر شمس الدین، دارالتعارف، بیروت.
۲۹. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، **نور الثقلین**، انتشارات اسماعیلیان، قم، چهارم.
۳۰. علی ابن بابویه علی (م ۳۲۹ق) (۱۴۰۶ق)، **فقه الرضا (ع)**، به کوشش مؤسسه آل البيت (ع)،

لاحیا التراث، المعتمر العالمی للامام الرضا(ع)، مشهد، اول.

۳۱. قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق)، *تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)*، داراحیاء التراث العربی، بیروت،

۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ق) (۱۴۰۱ق)، *الکافی*، به کوشش علی اکبر غفاری، دارالتعارف، بیروت، سوم.

۳۳. گوستاو لوبون (۱۳۱۶ش)، *تمدن اسلام و عرب*، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران، چاپ دوم.

۳۴. مارسل. بوازار (۱۳۵۸ش)، *اسلام و حقوق بشر*، ترجمه دکتر محسن مویدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران

۳۵. الممتقی الهندی، علاءالدین علی (م ۹۷۵ق) (۱۴۱۳ق)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، به کوشش صفوة السقاء، الرسالة، بیروت